

غفلت یا تغافل؟

به نظر من تغافل است. من معتقدم اگر جامعه بین‌المللی و غربی‌ها از همان ابتدا تمرکزشان روی آموزش را می‌گذاشتند، قطعاً نتیجه دیگری حاصل می‌شد، یعنی آن چیزی که می‌تواند یک جامعه سنتی را به مرور تغییر بدهد، حوزه آموزش است نه حوزه رسانه؛ اما به دلیل عدم تمایل تصمیم‌سازان و دیر بازده بودن، توجهی به آن نشد. پروژه بگیران می‌خواستند گزارشی بدهند که آن گزارش دیده بشود. لذا در یک جامعه‌ای که هنوز ضریب نفوذ تلویزیون بسیار پایین است، در جوامع دورافتاده روستایی که هنوز رسانه اصلی رادیو است، روی تلویزیون با وجه سرگرمی بیشتر از سایر حوزه‌ها تمرکز کردند.

سرمایه‌گذاری امریکا روی رادیو نسبت به تلویزیون قابل توجه

نیست؟

به مراتب کمتر است، روی رادیو، روزنامه‌ها و... هم کار می‌کردند اما باز تمرکز روی تلویزیون بود. از طریق آن هنجارها و انواع و اقسام موسیقی‌ها و خواننده‌هایی را که با جامعه افغانستان هیچ سنخیت و سازگاری نداشتند، ترویج کردند. موسیقی، موسیقی افغانستان نبود.

تفسیر شما می‌گوید امریکایی‌ها و حالا موجب بگیرانشان در

افغانستان، می‌خواستند پول‌ها را بزنند به جیب و یک گزارش

صوری رد کنند.

توجیه و ویتترین کار، آزادی بیان، آزادی رسانه، ترویج ارزش‌های لیبرال دموکراسی و... بود اما هدف اصلی، هدف قرار دادن ساختارها و بافت سنتی جامعه افغانستان بود. غافل از اینکه این سیاست واکنش ایجاد می‌کند. در هرات یعنی دومین شهر بزرگ افغانستان اثری از تلویزیون‌های آنها دیده نمی‌شد. فقط یک لایه بسیار نازکی در دل کابل وجود داشت که در یک حصار خودساخته‌ای زندگی می‌کردند و همان‌ها هم وقتی می‌خواستند کف جامعه بروند، با سنت‌های جامعه همراهی می‌کردند. همین یکی از شکاف‌هایی بود که پایه‌های حکومت افغانستان را سست کرد.

آیا فکر نمی‌کنید این عملکرد امریکایی‌ها، اینکه اساساً در

جامعه افغانستان هنجارشکنی کنند، هوشمندانه بوده؟

بله به دنبال هنجارشکنی بودند ولی این هنجارشکنی در جامعه افغانستان جواب نمی‌دهد. گاهی شما هنجارشکنی می‌کنید که به مرور این جامعه با هنجارهای جدید شما، همراهی کند.

توجیه و ویتترین کار، آزادی بیان، آزادی رسانه، ترویج ارزش‌های لیبرال دموکراسی و... بود اما هدف اصلی، هدف قرار دادن ساختارها و بافت سنتی جامعه افغانستان بود